



ایرانی در منطقه بود، این اهمیت را از برخورد مسئولان حزب الله و ارتش لبنان می توانستم به راحتی درک و لمس کنم. به ویژه حزب الله لبنان اصلاً دوست نداشت برای خبرنگار ایرانی مشکلی ایجاد شود یا بهتر بگویم باید تمامی اقدامات خبرنگارهای ایرانی و تردهای آن ها مورد تأیید حزب الله می بود تا آن ها خیال شان از همه بابت راحت باشد. از سوی دیگر وقوع یک حادثه تلخ برای گروه ایرانی که پیش از حضور ما و در گذشته در مرز لبنان و فلسطین اشغالی رخ داده بود، سخت گیری ها را برای ما چند برابر کرده بود.

ناپود خواهد شد. قبل از آمدن تصمیم گرفته بودم پرچم حرم امام هشتم (ع) را هم به جبهه جنوب ببرم تا مردان مقاومت از پیوند قلبی ملت ایران با خودشان بیشتر از هر موقعی باخبر شوند. پس وجود این تبرکی در کوله یک خبرنگار کارش را چند برابر سخت تر می کرد. اما موضوع دیگری که همان ابتدا برای من که نخستین تجربه خبرنگاری در حوزه بحران و مقاومت را کسب می کردم، جلب توجه می کرد، اهمیت و ارزش حضور یک خبرنگار

